

تحلیل جامعه‌شناختی گرایش به جابه‌جایی سکونتی در بافت قدیم خمینی شهر

رضا همتی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان*

فاطمه تقی‌پور، دانشجوی کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی

اکرم بیات، دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه اصفهان

چکیده

جابه‌جایی‌ها به مثابه پارادایم معاصر در علوم اجتماعی، ناظر به بررسی جابه‌جایی افراد، ایده‌ها و اشیا و همچنین دلالت‌های اجتماعی گسترده‌تر این جابه‌جایی‌هاست. جابه‌جایی‌های سکونتی درون شهری به مثابه یکی از انواع بسیار متداول جابه‌جایی، عامل مهمی در ایجاد تغییرات اساسی در حوزه‌های مختلف شهری است. تغییر محل سکونت در درون شهرها نقش مهمی در تغییر نظام‌های شهری و ساختار فضایی شهری دارد. عوامل مختلفی در سطح فردی، اجتماعی، کالبدی، فضایی، اقتصادی، فرهنگی و ترکیبی از آنها زمینه‌ساز این جابه‌جایی‌هاست. این پژوهش به صورت پیمایشی بر روی ۲۴۰ پاسخگوی ساکن در محله‌های قدیمی خمینی شهر با هدف سنجش میزان گرایش به نقل مکان به محله‌های جدید شهر و شناسایی عوامل مؤثر بر آن صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که در مجموع ساکنان این محله‌ها گرایش متوسطی به جابه‌جایی دارند، اما نهایتاً حدود ۶۵٪ تمایل خود و خانواده‌شان را برای جابه‌جایی به محله‌های جدید ابراز کرده‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی نشان می‌دهد که سه متغیر رضامندی از محل سکونت و سرمایه اجتماعی و اهمیت حفظ حریم خصوصی، وزن بیشتری در تبیین گرایش به جابه‌جایی به محله‌های جدید در خمینی شهر دارد. نتایج رگرسیون لجستیک نیز مؤید نتایج مذکور است.

واژه‌های کلیدی: تحرک سکونتی، بافت قدیم، رضامندی سکونتی، سرمایه اجتماعی، حریم خصوصی، محرومیت نسبی

بیان مساله

تحرك^۱ و جابه‌جایی^۲ به عنوان یک موضوع، اهمیت برجسته‌ای را در نظریه و پژوهش اجتماعی در سال‌های اخیر به دست آورده است. مفهوم جابه‌جایی فضایی در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی، ناظر به پدیده‌های بسیار متفاوت در مقیاس‌های مختلف است. جابه‌جایی صرفاً جابه‌جایی افراد برای کار، بازی یا ناشی از اجبار و ضرورت نیست، بلکه طیف گسترده‌ای از کالاها، محصولات، سرمایه، بیماری، سازمان‌ها، دانش و ایده‌ها را نیز شامل می‌شود (ریگ، ۲۰۰۷: ۱۱۸). اندیشمندان اخیراً خواستار رویکرد چند رشته‌ای گسترده به جابه‌جایی و نظریه‌پردازی جدی‌تر این مفهوم هستند (کوفمان، ۲۰۰۹). در این راستا "چرخش تحرك" یا به تعبیر شلر^۳ و یوری^۴ (۲۰۰۶) "پارادایم جدید تحرك‌ها"، روشن‌ترین تلاش برای به زیر چتر گرفتن انواع مختلف جابه‌جایی‌ها و به چالش کشیدن گرایش به تلقی ثبات و عدم تحرك به مثابه امری بهنجار و تحرك و جابه‌جایی امری مسأله‌دار است. حامیان پارادایم جدید تحرك‌ها (NMP) مدعی‌اند که پژوهش‌های علمی اجتماعی در شرایط مدرنیته متأخر نیازمند تغییر کانون توجه خود از واحدهای تحلیل بسیار ایستا همچون جوامع و دولت^۵ ملت‌ها هستند و باید به جریان‌های افراد، کالاها و اطلاعات توجه داشته باشند (شلر و یوری، ۲۰۰۶؛ کرسول، ۲۰۰۶؛ یوری، ۲۰۰۰). به عبارت دیگر، این چرخش در واکنش به این امر مطرح شد که علوم اجتماعی به طور سنتی ایستا بوده، جابه‌جایی را به مثابه جعبه سیاه^۵ (امر بدیهي) تلقی کرده و اهمیت جابه‌جایی‌های نظام‌مند انسان‌ها برای کار و زندگی خانوادگی، اوقات فراغت و لذت و برای امور سیاسی و اعتراض را نادیده گرفته یا اهمیت چندانی برای آن قائل نشده است. در رویکرد سنتی، انسان‌ها اغلب به مثابه موجودات ایستا (غیرپویا) تلقی می‌شدند که به مکان‌های

خاصی پیوند خورده یا در جهان جهانی شده و آشفته، خانه به دوش و بی‌مکان^۶ هستند. پارادایم جابه‌جایی به نیروها و عوامل شکل‌دهنده و محدود کننده این جابه‌جایی‌ها و یا الزام‌ها و محدودیت‌های ناشی از این جابه‌جایی‌ها توجه دارد. یوری با طرح این ادعا که "کل جهان در حال جابه‌جایی است" در کتاب *جامعه‌شناسی فراسوی جوامع: تحرك‌ها در قرن بیست و یک* (۲۰۰۰: ۱)، بیانیه را برای جامعه‌شناسی به منظور بررسی تحرك‌های مختلف افراد، ایزه‌ها، ایماژه‌ها، اطلاعات و ضایعات^۷ و وابستگی متقابل پیچیده بین آنها و پیامدهای اجتماعی تحرك‌های مختلف مطرح نمود (هنکه و جانشت، ۲۰۱۳: ۵).

با این حال، همان‌طور که سیگاد (۲۰۱۳) به درستی اشاره کرده مطالعه جابه‌جایی سکونتی در معنای تغییر محل سکونت اولیه در مطالعات جابه‌جایی^۸ اغلب مورد غفلت واقع شده است؛ برای مثال، محققان (همچون یوری، ۲۰۰۰؛ کرسول، ۲۰۰۶) بر جابه‌جایی‌های روزانه، شهری، مجازی و تخیلی یا گردشگری تأکید کرده، ولی به جابه‌جایی سکونتی نپرداخته‌اند. نشریه تخصصی "جابه‌جایی" به مسائل مربوط به حمل و نقل پرداخته و هیچ مقاله‌ای در ارتباط با جابه‌جایی سکونتی از زمان چاپ شماره اول آن در سال ۲۰۰۶ منتشر نکرده است. جابه‌جایی‌های بین‌المللی، مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های بزرگ مقیاس گاهی در مطالعات جابه‌جایی بررسی شده، اما جابه‌جایی سکونتی به ندرت مورد توجه قرار گرفته است.

در چند دهه گذشته، مطالعه ترجیحات سکونتی و رفتار انتخابی توجهات زیادی را در بسیاری از رشته‌ها، همچون روان‌شناسی محیطی، جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، جامعه‌شناسی شهری و اقتصاد ناحیه‌ای به خود جلب نموده است (تیمرنس، ۱۹۹۲). هر یک از این حوزه‌ها در بررسی مقوله "انتخاب محل سکونت"^۹ پدیده‌های متفاوتی چون کاربری

¹ Mobilitie

² Movements

³ Sheller, M

⁴ Urry, J

⁵ Black Box

⁶ Nomadic and Placeless

⁷ Wastes

⁸ Mobility studies

⁹ Residential location choices

فرآیندهای ساختاری مانند کسادى بازار مسکن می‌تواند مانع از جابه‌جایی مورد نظر افراد شود. جابه‌جایی سکونتی و عدم جابه‌جایی هر دو موجب نابرابری‌های فضایی زمانی از طریق فرآیندهای مختلفی، چون: جدایی‌گزینی، بهسازی بافت و انتقال بین نسلی ثروت می‌شود (کولتر و دیگران، ۲۰۱۳).

مهاجرت‌های درون شهری که عمدتاً از هسته‌های با ارزش قدیم شهری به سمت مناطق نوساز و میانی صورت می‌گیرد، بر ساختار اجتماعی- فضایی نواحی شهری و فرسودگی بیش از پیش بافت‌های قدیمی شهرها تأثیر می‌گذارد. بافت‌های فرسوده و قدیمی شهری که در فرایند طولانی مدتی شکل گرفته و تکوین یافته‌اند، امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی شده‌اند و اغلب اوقات آن گونه که باید، پاسخگوی نیازهای ساکنان‌شان نیستند و این امر میزان رضامندی ساکنان از محیط سکونتی‌شان را کاهش داده و به مهاجرت‌های درون‌شهری دامن زده است. هم‌اکنون، مسأله مناطق فرسوده شهری از مسائل مهم در اکثر شهرهای کشورهاست (پوراحمد و دیگران، ۱۳۹۰). چنین است که بسیاری از شهرهای امروزی با خطر جدی بر هم خوردن تعادل جمعیتی و هجوم جمعیت به مناطقی رو به رو هستند که از دیدگاه مردم فضای مناسبتر زندگی را برای آنها فراهم می‌کند. برخی از مشکلات و محدودیت‌های این مناطق عبارتند از: ناهمخوانی کالبد و فعالیت، وجود عناصر ناهمخوان شهری، کمی سرانه برخی اماکن و فضاهای فراغتی، فرهنگی و پارکینگ، فقدان سلسله مراتب مناسب در شبکه ارتباطی و عدم امکان نفوذپذیری به داخل بافت ارگانیک، کاربری‌های ناسازگار و جاذب ترافیک، وجود فضاهای بی‌دفاع و رها شده، کمبود فضاهای عمومی مناسب برای تعاملات اجتماعی، اختلال و نابسامانی در نظام کاربری زمین، برخی آلودگی‌های زیست- محیطی، قرارگیری برخی قسمت‌های بافت در حریم آثار تاریخی و ضوابط نارسای ساخت و ساز در آن، خروج تدریجی سرمایه و فعالیت و جایگزینی کارکرد سکونتی با کیفیت بسیار نازل که موجب

زمین شهری^۱، مهاجرت درون شهری، جدایی‌گزینی سکونتی^۲، بهسازی بافت و رفتارهای مسافرتی^۳ را مطالعه نموده‌اند. فارغ از این چالش مفهومی و تفاوت در زاویه دید، دلیل اصلی توجه اخیر به موضوع جابه‌جایی‌های درون شهری، پیامدها و تبعات مختلف اجتماعی، جمعیت‌شناختی، فرهنگی و فضایی آن است. مطالعه این جابه‌جایی‌ها از آنجایی اهمیت دارد که بسیاری از تغییرات در ساختار جمعیتی و اجتماعی محیط‌های شهری از این نوع جابه‌جایی‌ها نشأت می‌گیرد (راس، ۱۹۶۲). مهاجرت‌های درون شهری تأثیر مستقیمی بر تغییر ساختار فضایی مناطق شهری دارد و به تغییرات چشمگیر در الگوهای کاربری زمین و توزیع فضایی گروه‌های اجتماعی جمعیت‌شناختی منجر می‌شود (هانوشک و کولگی، ۱۹۷۸). تغییر محل سکونت در داخل شهرها موجب تغییر شیوه زندگی گردیده و نواحی مختلف شهرها را دستخوش دگرگونی اجتماعی- فرهنگی و فیزیکی- کالبدی می‌نماید. جابه‌جایی‌های سکونتی می‌تواند برای افراد، محله‌ها و کل شهر پیامدهای خاص خود را داشته باشد و حتی کسانی که ثبات سکونتی دارند نیز متأثر از پیامدهای آن هستند. ناهمگونی اجتماعی- فرهنگی ناشی از این مهاجرت‌ها، نه تنها سبب کاهش حس همسایگی، بلکه به تشدید انگیزه مهاجرت در جمعیت قدیمی (اولیه) یک ناحیه منجر می‌شود (سجادی و دستجردی، ۱۳۸۷). این مهاجرت‌ها موجب تغییر در ویژگی‌های همسایگی و در توزیع فضایی و کیفیت تسهیلات در دسترس آنها می‌گردد (دکمه‌چی و دیگران، ۱۹۹۶). در کنار این پیامدهای کلان، تغییر محل سکونت در سطح فردی نیز اهمیت دارد، زیرا بر معیشت، خانواده، امنیت و رفاه افراد تأثیر می‌گذارد (لیمبوما، ۲۰۱۰). همچنین، علاوه بر جابه‌جایی‌های مسکونی، عدم تحرک^۴ مسکونی عامل مهمی در ساختاریابی جوامع است. این عدم تحرک لزوماً محصول «انتخاب» نیست، بلکه

¹ Urban land use

² Residential segregation

³ Gentrification and travel behavior

⁴ Immobility

از ارتباط معکوس امنیت، هویت محیط شهری، خدمات عمومی و بهداشتی، ویژگی‌های کالبدی با مهاجرت‌های درون‌شهری است. همچنین، رابطه خویشاوندی و طایفه‌ای موجب تحکیم روابط همسایگی شده و این خود به کاهش مهاجرت‌های درون‌شهری می‌انجامد. سجادی و دستجردی (۱۳۸۷) در بررسی علل و پیامدهای اجتماعی - فضایی مهاجرت‌های درون‌شهری در بافت قدیم تهران پارس نشان دادند که شکل‌گیری ساختار جدید بافت قدیم تهرانپارس، نه تنها متأثر از تصمیم‌های مدیریتی (شهرداری) و بخش خصوصی در امر تولید مسکن، بلکه حاصل تصمیم خانواده‌هایی از نواحی مختلف تهران در مهاجرت به این بافت با هدف تغییر در شیوه زندگی و ارتقای پایگاه اجتماعی است. این مهاجرت‌ها عامل هجوم بی‌رویه جمعیت با ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی متفاوت از نقاط مختلف تهران، به‌ویژه مناطق شهرداری مجاور به بافت قدیم تهرانپارس بوده است. تأثیر اجتماعی - فضایی چنین تفاوت‌هایی در بافت اجتماعی - فرهنگی مهاجران نمونه را نه تنها می‌توان از پایین بودن حس تعلق به مکان و در نتیجه، مشارکت نکردن اکثر آنها در حل مشکلات محله درک نمود، بلکه تفاوت در سیمای بیرونی منازل از طریق به کارگیری علائم، اشکال، مصالح و رنگ نیز نمود فیزیکی چنین تفاوت‌هایی است. در یکی دیگر از پژوهش‌های صورت گرفته (وارثی و دیگران، ۱۳۸۶) در خصوص بررسی آثار توزیع خدمات شهری در عدم تعادل فضایی جمعیت در شهر اصفهان در طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳ این نتیجه حاصل شد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت‌ها و جابه‌جایی‌های درون‌شهری، توزیع خدمات شهری است. در همین راستا، نتایج نشان داد هرگونه تغییر در شاخص ویلیامسون که بیانگر تغییر نامتوازن در کاربری‌های خدمات شهری است، باعث مهاجرت‌های درون‌شهری از مناطق مختلف شده است.

تولایی و یاری (۱۳۹۰) نیز با بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به مهاجرت درون‌شهری در تهران با تأکید بر احساس نابرابری فضایی که به صورت پیمایشی بر روی ۴۸۰ نفر از

کاهش اهمیت و ارزش بافت قدیمی و هویت‌ساز شهرها و جابه‌جایی‌های جمعیتی و جایگزینی گروه‌های کم درآمد و فاقد حس تعلق به مکان و فضا به جای گروه‌های با توان مالی بالا و دارای حس تعلق خاطر به آن شده است (شاهوی، ۱۳۸۸). در این پژوهش کوشش شده است تا علل گرایش ساکنان به جابه‌جایی از محله‌های قدیمی شهر خمینی‌شهر و سکنی‌گزینی در محله‌های جدید بررسی شود. وجود چنین پدیده‌ای در خمینی‌شهر که از بافت سنتی غنی و با سابقه تاریخی طولانی برخوردار است و اجتماعات و گروه‌های سنتی، محلی و خانوادگی کنترل و نظارت به نسبت زیادی بر روی اعضای این محله‌ها دارند، از اهمیت زیادی برخوردار است. این که مشخص شود علل این گرایش ناشی از عوامل جاذبه محله‌های جدید است یا دافعه محلات سنتی آن، می‌تواند گام مهمی در جهت شناخت مسائل خمینی‌شهر و ایجاد توازن جمعیتی در آن باشد، زیرا در سال‌های اخیر افزایش مهاجرت‌های درون‌شهری در این شهر و سرازیر شدن جمعیت به بافت‌های جدید، احتمال از بین رفتن تعادل جمعیتی به سود محله‌های جدید را افزایش داده است که این امر می‌تواند پیامدهای خاصی برای بافت‌های سنتی داشته باشد.

مروری بر متون تجربی

پژوهش‌های متعددی (نک: واینبرگ، ۱۹۷۹؛ راس، ۱۹۶۲؛ لی، ۱۹۶۶؛ کان، ۲۰۰۷؛ بیکر، ۲۰۰۲) در خصوص علل تحرک سکونتی و مکانیسم‌های آن در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته که به بخشی از نتایج آن در بخش بعدی اشاره خواهد شد. در پژوهش‌های داخلی برای مثال نتایج مطالعه پوراحمد و همکارانش (۱۳۹۰) در خصوص نقش کیفیت محیط سکونتی در مهاجرت‌های درون‌شهری در خرم‌آباد نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان تمایل به مهاجرت از بافت سنتی دارند. نتایج به دست آمده مؤید تأثیرپذیری این گونه حرکات از کیفیت محیط سکونتی است. نتایج همچنین حاکی

شناسایی نمود. همچنین، اکثر این پژوهش‌ها (بجز تولایی و یاری، ۱۳۹۰ و یوسفی و آقاجانی، ۱۳۹۰) رویکرد جغرافیایی به این موضوع داشته‌اند و جای خالی سایر رشته‌ها در پرداختن به متغیرهای روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و اقتصادی کاملاً احساس می‌شود، زیرا پدیده تحرک سکونتی پدیده پیچیده‌ای است و ترکیب مختلفی از عوامل متعدد در سطوح متفاوت در این تصمیم‌گیری دخیل‌اند.

مبانی نظری پژوهش

برونو لاتور^۱، جامعه‌شناسی فرانسوی خاطر نشان می‌کند که واژه "نظریه کنشگر شبکه" (ANT) تنها سه مسأله و مشکل دارد که عبارتند از: نظریه، کنشگر، شبکه (لاتور، ۲۰۰۵). همین قضیه در مورد مفهوم تحرک و جابه‌جایی صدق می‌کند. تحرک (جابه‌جایی)^۲ عموماً بیانگر جابه‌جایی در فضا است، اما به هر نوع جابه‌جایی مثل تحرک اجتماعی بر اساس تغییر موقعیت اجتماعی یا جابه‌جایی سکونتی از حیث تغییر محل سکونت نیز راجع است. متداول‌ترین تعریف تحرک، ریشه در نظریه‌های سنتی دارد که چند دهه پیش بسط یافته است؛ مخصوصاً تعریف راسمن از جابه‌جایی به مثابه تغییر پایدار در مرکز ثقل زندگی روزانه هنوز متداول است. با این حال، تغییرات رادیکال در ساختارهای اقتصادی، مسکن و خانواده در طی چند دهه گذشته نشان می‌دهد که این تعریف قادر نیست طیف گسترده‌ای از مسائل معاصر را پوشش دهد. پژوهش‌های معاصر که به بررسی تأثیر روندهای معاصر پرداخته‌اند نشان می‌دهد که نظریه‌پردازی رفتارهای جابه‌جایی جدید به منظور کنار گذاشتن دوگانگی جابه‌جایی - عدم جابه‌جایی ضرورت دارد. برای مثال، افزایش تعداد رفت و آمدهای مکرر و "زندگی مشترک، اما به لحاظ جغرافیایی جدا از هم"^۳ و همین‌طور افزایش میزان طلاق و ظهور خانواده‌های پیچیده و از نو احیا شده^۴ تا حدی حکایت از صورت‌های

شهروندان تهرانی صورت گرفته بود، به این نتیجه رسیدند که بخش قابل توجهی از شهروندان مناطق پایین شهر و مرکز شهر تهران متمایل به جابه‌جایی به سمت بالا شهر هستند. احساس نابرابری در بعد تحصیلات و ثروت (ابعاد مرتبط با پایگاه اجتماعی اقتصادی) و تسهیلات و دسترسی‌ها (ابعاد مرتبط با ساختار کالبدی شهری) به نفع مناطق بالا شهری و در بعد ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی به سود مناطق پایین شهر تهران بود. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان داد که یکی از دلایل عدم تمایل ساکنان پایین شهر به مهاجرت به سمت محلات بالا شهر، میزان بالای رضامندی آنها از محله مسکونی خود است، اما در محلات مرکز این متغیر در تبیین الگوی سکونت‌گزینی افراد نقش مهمی نداشت. در مناطق پایین شهر، متغیر مکان سکونت "دیگران مهم" در تعیین محله ایده‌آل برای سکونت مؤثر بود، اما تأثیر این متغیر در بین پاسخگویان محلات مرکزی شهر معنی‌دار نبود. نهایتاً یوسفی و آقاجانی (۱۳۹۰) در پژوهشی بر روی داده‌های حاصل از ۱۷۵۱۰ خانوار ساکن در ۴۰ ناحیه مشهد به این نتیجه رسیدند که ۴۶٫۹٪ از خانوارها در ده سال گذشته جابه‌جایی مسکونی داشته‌اند، بیشترین جابه‌جایی در مشهد به صورت بین ناحیه‌ای است و در حدود نیمی از نواحی میزان فرستندگی بیش از گیرندگی است، ۶۱٫۸٪ از جابه‌جایی‌های مسکونی در مشهد جابه‌جایی افقی، ۱۶٫۴٪ جابه‌جایی عمومی رو به پایین و ۲۱٫۸٪ نیز عمودی روبه بالاست. نتایج تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که ۶۴٫۹٪ از تغییرات مسکونی تحت تأثیر همزمان پنج خصوصیت ساختاری شامل اندازه منابع منزلتی، نابرابری منزلتی، جدایی‌گزینی منزلتی، تنوع اجتماعی و تراکم مسکونی و اشکال تعاملی آنهاست. در این میان، اثر نسبی حاصل از تعامل متغیرهای اندازه منابع، نابرابری منزلتی، جدایی‌گزینی منزلتی و تنوع اجتماعی و همچنین اثر تعاملی نابرابری منزلتی و جدایی‌گزینی بر تحرک مسکونی بیش از سایر متغیرهاست. همچنانکه از این پژوهش‌ها بر می‌آید هنوز در داخل کشور پژوهش‌های جدی در زمینه جابه‌جایی سکونتی صورت نگرفته تا بتوان الگوی خاص تحرک سکونتی درون‌شهری را

^۱ Latour, B

^۲ Movement

^۱ Live Apart Together partnerships (LAT)

^۲ Reconstituted families

اجتماعی، نقش مهمی در انتخاب خانوادگی محل سکونت دارند و انتخاب محل سکونت بر اساس ویژگی‌های فیزیکی (راحتی، دسترسی به محل کار) و اجتماعی (کیفیت مدراس، نرخ جرم/امنیت، ترکیب قومی) محل صورت می‌گیرد. فراتر از این دو رویکردهای عقلانی و اجتماعی عوامل دیگری نیز بر انتخاب‌های سکونتی تأثیر گذارند مثل بعد حساسیت که به تجربه عاطفی و فیزیکی شخصی افراد از فضا یا به ویژگی‌های ریخت‌شناسی محیط راجع است. همچنین برخی از پژوهشگران تلاش کرده‌اند با استفاده از مفهوم سبک زندگی^۲ شکاف بین رویکردهای اجتماعی و اقتصادی را پر کرده و چشم‌اندازی ترکیبی ارائه کنند. طبق نظر آرو (۲۰۰۵) مزیت بررسی مفهوم سبک زندگی، توانایی آن در ترکیب عوامل عقلانی اقتصادی و عوامل کارکردی با عوامل کاملاً غیرعقلانی و مبتنی بر فرهنگ است (توماس، ۲۰۱۱). با این توضیحات، در این بخش برخی از نظریه‌ها و مدل‌های شناخته شده در تبیین جابه‌جایی سکونتی تشریح می‌شود.

کار ارزشمند راسی^۳ (۱۹۵۵) با عنوان «چرا خانواده‌ها مکان می‌کنند؟» با تمرکز بر رهیافت مراحل چرخه زندگی^۴ به تبیین الگوی تصمیم‌گیری خانواده‌ها برای جابه‌جایی و انتخاب محل سکونت می‌پردازد. تا آن زمان، بیشتر پژوهش‌ها اساساً بر الگوهای انباشتی تحرک و الگوهای مبدأ - مقصد مبتنی بود، اما راسی به خانواده‌ها و انگیزه‌های آنها در جستجوی مسکن توجه نمود (دیلمن، ۲۰۰۱) از نظر وی تحرک سکونتی فرایندی است که در آن خانواده‌ها مسکن خود را با نیازهای مسکونی سازگار می‌کنند؛ نیازهایی که ناشی از تغییر در اندازه خانواده و ترکیب آن در کنار تغییر چرخه زندگی است. هنگامی که خانواده‌ها در مراحل زندگی تغییر می‌کنند؛ مثل استقلال از خانواده اولیه، ازدواج، بچه‌آوری و مراقبت از بچه، بزرگ شدن خانواده، احتمال تمایل به داشتن خانه بزرگ‌تر و محیط مناسب بیشتر می‌شود یا خانواده‌های سالخوردگان احساس راحتی بیشتری برای زندگی در نزدیکی شهر دارند

جدید سیالیت و ناپایداری سکونتی^۱ دارد. به جای مهاجرت‌های فصلی، می‌توان ناپایداری سکونتی را به مثابه نوسان‌های مکرر و چرخشی بین سکونتگاه‌های مختلفی تلقی کرد که هر یک به مثابه مرکز ثقل موقت عمل می‌کنند. مطالعات طولی نیز حاکی از ظهور ناپایداری سکونتی است؛ مخصوصاً بین جوان‌هایی که خانه پدری را ترک و شروع به تحصیل در آموزش عالی کرده و می‌کوشند وارد بازار کار شوند. این شکل‌های نوظهور نشان می‌دهد که جابه‌جایی و تحرک به شدت متنوع و مبدل به کردار رابطه‌ای شده است (کولتر و دیگران، ۲۰۱۳).

در یک دسته‌بندی به طور کلی می‌توان از سه منظر نظری انتخاب محل سکونت را تبیین کرد: از یک طرف رهیافت اقتصادی و جمعیت‌شناختی با اتکا بر نظریه کنشگر عقلانی وجود دارد؛ کنشگری که می‌کوشد محل سکونت خود را براساس پارامترهای کارکردی و اقتصادی مثل نزدیکی به محل کار، قیمت و اندازه مسکن در مقایسه با درآمد و زمینه، بهینه کند (توماس، ۲۰۱۱). در اینجا، عقلانی بودن اشاره به ارتباط منطقی بین شرایط واقعی و تصمیم‌های اتخاذ شده در آن شرایط دارد. در مجموع اقتصاددانان از اواخر دهه ۱۹۶۰ کوشیدند تا فرایند تصمیم‌گیری را با استفاده از تلقی نئوکلاسیک و اقتصاد کلان از به حداکثر رساندن مطلوبیت یا تابع مطلوبیت تصادفی مبتنی بر رهیافت عدم تعادل در مصرف مسکن یا نامناسب بودن مصرف مسکن ناشی از شوک‌های اقتصادی و جمعیت‌شناسی پیش‌بینی نشده مدل‌سازی کنند (لی و تو، ۲۰۱۱). از طرف دیگر، در رویکردهای انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی مبتنی بر نظریه‌های کنش اجتماعی، انتخاب به لحاظ اجتماعی براساس پیوندهای خانوادگی، سنت، فرهنگ و روش‌های زندگی و حتی جایگاه اجتماعی افراد صورت می‌گیرد. پژوهشگرانی چون بوردیو بر پیوند بین جایگاه اجتماعی خانواده (جایگاه طبقاتی، عادت‌واره و...) و اهمیت ویژگی‌های اجتماعی محیط تأکید دارند. برخی دیگر استدلال می‌کنند که خانواده و شبکه‌های

⁴ Life style

⁵ Rossi, P

⁶ Life cycle

³ Residential itinerancy

زندگی افراد توجه دارد و در آن بر ماهیت تغییرپذیر و غیرقابل پیش‌بینی دوره زندگی تأکید می‌شود. اهمیت رویکرد دوره زندگی در خصوص بازاندیشی درباره جابه‌جایی سکونتی از سه جنبه قابل بررسی است: اول اینکه نظریه دوره زندگی امکان می‌دهد که نه یک دوره، بلکه دوره‌های مختلف زندگی را مفهوم‌سازی کرد؛ بدون غفلت از این موضوع که چگونه این دوره‌ها به واسطه نیروهای ساختاری که در زمان مکان عمل می‌کنند، پیکربندی می‌شوند. رویکرد دوره زندگی با مطرح کردن اینکه مردم از خانوار، اشتغال، آموزش، مسکن و دوره‌های سلامتی تأثیر می‌پذیرند، به فراسوی ایده‌های جبرگرایانه چرخه زندگی واحد می‌رود. دوم رهیافت دوره زندگی با تأکید بر نحوه ارتباط انسان‌ها در زمان و مکان، نشان می‌دهد که تصمیم به جابه‌جایی و رفتارهای تحرک، ماهیت رابطه‌ای دارند. پژوهش‌های مهاجرت و نظریه‌های سرمایه انسانی و مهاجرت جنسیتی نشان می‌دهد که رفتارهای جابه‌جایی زوجین را نمی‌توان بدون توجه به دوره‌های زندگی مرتبط به هم هر دو زوج درک کرد. این نتیجه‌گیری از سوی یافته‌های پژوهش‌های کیفی حمایت می‌شود که در آن زوجین با چانه‌زنی و مذاکره در خصوص مهاجرت، تصمیم‌گیری می‌کنند؛ حتی پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که کودکان نیز در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی خانواده نقش دارند. سومین بینش حاصل از رهیافت دوره زندگی، در نظر گرفتن زندگی به مثابه زندگی‌نامه^۳ است. نظریه‌های دوره زندگی به جای تأکید بر درک فردی^۴ از زمان نشان می‌دهد که زندگی‌نامه شخصی به صورت جمعی به واسطه فرایندهای فضایی زمانی پیکربندی می‌شود. تأکید بر زندگی‌نامه و ماهیت چند بعدی زمان ما را به مفهوم‌سازی جابه‌جایی به مثابه فرایندی رهنمون می‌سازد که خاستگاه آن در بستر تجربیات گذشته و همین‌طور آمال افراد برای آینده قرار دارد (کولتر و دیگران، ۲۰۱۳).

اسپیر^۵ به بررسی فرایند تصمیم‌گیری جابه‌جایی در سه

(لیمومبا، ۲۰۱۰؛ پیت، ۱۹۹۹؛ کوگلی و واینبرگ، ۱۹۷۷). نتایج پژوهش‌ها با استفاده از مدل راسی نشان می‌دهد که گرایش به جابه‌جایی در مراحل اولیه چرخه زندگی خانوادگی در بالاترین میزان خود قرار دارد؛ هر چه خانواده بزرگ‌تر می‌شود، وابستگی به محل سکونت افزایش می‌یابد، مخصوصاً زمانی که سرپرست خانواده بازنشسته می‌شود (لی و تو، ۲۰۱۱). ابولغد^۱ نیز با در نظر گرفتن دلایل جابه‌جایی افراد در درون یک شهر (درون‌شهری) مدلی را براساس مرحله‌ای که خانواده در چرخه زندگی قرار دارد، ارائه داد. مهاجرت خانواده یک رخداد واحد نیست، بلکه بخشی از پیوستاری است که تاریخچه زندگی اعضای هر خانواده را شکل می‌دهد. خانواده از مراحل مختلفی در چرخه زندگی‌اش گذر می‌کند و در هر مرحله ویژگی‌های خاص خود را دارد و محل سکونت نیز بر این اساس تغییر می‌کند. ابولغد نیازهای متفاوت افراد در دوره‌های مختلف زندگی را عامل جابه‌جایی آنها در نقاط مختلف شهر (حلقه مرکزی، میانی و بیرونی) می‌داند.

در کنار رویکرد چرخه زندگی، رهیافت دوره زندگی^۲ نیز کمک شایانی به درک این امر می‌کند که افراد چرا، کی و به کجا نقل مکان می‌کنند. در این رهیافت ادعا می‌شود که افراد از مراحل مختلفی عبور کرده و جابه‌جایی سکونتی آنها به تغییر در حرفه، روابط و شرایط یا فروپاشی ساختار خانوادگی‌شان مرتبط است (کلارک، ۲۰۱۲؛ کولتر و دیگران، ۲۰۱۳).

مزیت رویکرد دوره زندگی نسبت به رویکرد چرخه زندگی این است که در آن افراد دسته‌بندی نشده یا به گروه‌های متعارف خاصی تقسیم نمی‌شوند؛ لذا رفتارهای آنها به عنوان واکنش به قرار گرفتن در آن گروه سنی تلقی نمی‌شود، بلکه رویکرد دوره زندگی فرایند تغییر را بررسی می‌کند که در آن سن اهمیت دارد، اما ویژگی بارز تغییرات رخ داده نیست. از این رو، برخلاف پژوهش‌های متعارف چرخه زندگی که بر توالی هنجاری و زمان رخدادها تأکید دارند، رویکرد دوره زندگی بر تغییر در تعداد، زمان و توالی رخدادها در دوره

³ Lives as biographies

⁴ Individualised

¹ Speare, A

¹ Abu-Lughod, J

² Life course theories

مرحله متمایز می‌پردازد: ۱- شکل‌گیری قصد جابه‌جایی؛ ۲- انتخاب محل بدیل؛ ۳- تصمیم به جابه‌جایی یا ماندن. در این مدل، رضامندی سکونتی عامل اصلی در تصمیم برای جابه‌جایی است. رضامندی به نوبه خود متأثر از ویژگی‌های فردی و خانواده، مشخصه‌های محل سکونت، تعلق به مسکن یا اجتماع محلی است. از این رو، متغیرهایی که در متون تجربی همواره با تحرک سکونتی ارتباط دارند، مثل ویژگی‌های خانواده / محل و پیوندهای اجتماعی، سن، اجاره‌خانه، مدت سکونت و ... تأثیر مستقیم بر تصمیم‌گیری بر جابه‌جایی یا رفتار واقعی جابه‌جایی ندارند، بلکه از طریق افزایش یا کاهش رضامندی ذهنی از سکونت عمل می‌کنند (لندال و گست، ۱۹۸۵؛ کوگلی و واینبرگ، ۱۹۷۷). اسپیر (۱۹۷۴) مدل رضامندی سکونتی را در بین ساکنان شهری ردآیلند^۱ به آزمون گذاشت. فرضیه اصلی این بود که پنج متغیر شاخص دوستان یا خویشاوندان، نرخ ازدحام، سن سرپرست خانواده، مدت اقامت، تصرف مسکن^۲ از طریق رضامندی سکونتی بر قصد جابه‌جایی تأثیر دارند. تحلیل‌های وی به طور کلی از این مدل حمایت کرد. رضامندی سکونتی به عنوان متغیر میانجی چهار متغیر از پنج متغیر و قصد جابه‌جایی عمل کرد. مالکیت مسکن تنها متغیر زمینه‌ای بود که جدا از رضامندی سکونتی بر قصد جابه‌جایی تأثیر مستقیم داشت، از سوی دیگر، رضامندی سکونتی پیش‌بینی‌کننده بهتر میل جابه‌جایی در مقایسه با پنج متغیر زمینه‌ای بود.

اگرچه آثار قابل توجهی به صورت نظری و تجربی در خصوص تحرک سکونتی و انتخاب مسکن وجود دارد اما به نقش همسایگی^۳ و محل در این فرایند توجه زیادی نشده است. کلارک و دیگران (۲۰۰۶) با بررسی نقش محل در فرایند انتخاب محل سکونت به این نتیجه رسیدند که محل به تنهایی نقش مهمی در فرایند انتخاب دارد (لیمبوما، ۲۰۱۰). لی و دیگران به این نتیجه رسیده‌اند که ارزیابی ذهنی از محل سکونت تأثیر زیادی بر فکر جابه‌جایی دارد، اما تأثیر اندکی بر

جابه‌جایی واقعی دارد (دیلمن، ۲۰۰۱). بوهم و مارک^۴ در تحلیل اقتصادی تصمیم به جابه‌جایی درون شهری به این نتیجه رسیدند که تلقی خانواده‌ها از کیفیت محل، عامل مهمی در تعیین پتانسیل جابه‌جایی است. شواهد ارائه شده از سوی بوهم و لاندفلد^۵ نشان داد که تلقی خانواده‌ها از سطح کیفیت محل و تغییر آن، تأثیر زیادی بر تصمیم به جابه‌جایی موجه‌ها و مالکان ساکن در بخش‌های مرکزی شهر دارد. دین^۶ نیز نشان داد درصد افرادی که به علت نارضایتی از همسایگی قصد جابه‌جایی دارند، بیشتر از کسانی است که از مسکن خود ناراضی‌اند (لی و تو، ۲۰۱۱). علی‌رغم تأثیر محل بر رضامندی سکونتی، پژوهش‌ها به نتایج متفاوتی رسیده‌اند. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اگر چه بسیاری از افراد از محل خود ابراز نارضایتی کردند، اما این امر بخش ناچیزی از رفتار واقعی جابه‌جایی را تبیین می‌کند. برخی دیگر به تأثیرات ویژگی‌های محل، مثل وخیم‌تر شدن اوضاع محل، کفایت خدمات، امنیت و دسترسی و ارزیابی کلی از محل پی بردند. کیفیت محل انگیزه مهمی برای ترک و نقل مکان از محل‌های نامناسب است؛ مخصوصاً اگر این محله‌ها برای بزرگ کردن بچه‌ها نامناسب بوده و فقر و بی‌قانونی بر آن حاکم باشد (راب و تیلور، ۲۰۰۹).

شبکه‌ها و روابط اجتماعی به عنوان شاخص‌های سرمایه اجتماعی نقش مهمی در سازگاری ساکنان شهری با زندگی در محیط شهری و تصمیم به جابه‌جایی یا عدم جابه‌جایی دارد. سرمایه اجتماعی اشاره به شبکه‌ای از حمایت متقابل موجود در میان و بین خانواده‌ها، خانواده‌های گسترده و اجتماعاتی دارد که مردم به واسطه آن به کالاها و اطلاعات درباره شغل و فرصت‌ها دسترسی پیدا می‌کنند (لیمبوما، ۲۰۱۰). سرمایه اجتماعی ثبات همسایگی را افزایش داده، انسجام همسایگی را با تشویق ساکنان به طولانی کردن زمان اقامت‌شان تقویت می‌کند (لی و تو، ۲۰۱۱). خانواده‌ها می‌توانند از طریق شبکه‌های اجتماعی، حمایت مالی یا عاطفی به دست آورند، با این حال با

⁴ Boehm, TP & Mark, J

⁵ Ihlanfeldt, KR

⁶ Deane, GD

¹ Rhode Island

² Housing tenure

³ Neighbourhood

مهاجرت مؤثر است. البته، باید توجه داشت که مهاجرت پاسخ نهایی به محرومیت‌های نسبی نیست. در واقع، وقتی فرد یا جمع نتواند به هدف‌های با ارزش در داخل سازمان اجتماعی خود، دست یابد و احساس کند که منابع لازم برای رفع محرومیت‌هایش در خارج از سازمان اجتماعی او وجود دارد، مهاجرت می‌کند. در اینجا فرد با دو سازمان اجتماعی روبه روست: ۱- سازمانی که در آن بزرگ شده، اما احساس می‌کند که در آن از فرصت‌های لازم برای رسیدن به هدف‌های با ارزش خود محروم است (مبدأ)؛ ۲- سازمانی که شاید فقط به طور مبهم آن را می‌شناسد، اما احساس می‌کند که در آنجا به منابع لازم برای رفع محرومیت‌های خود دست می‌یابد (مقصد) (تولایی و یاری، ۱۳۹۰).

بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص تحرک سکونتی که به مطالعه تمایل به جابه‌جایی پرداخته‌اند، به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانوار تمرکز داشته‌اند (وولی، ۱۹۹۹؛ به نقل از کلارک و دیگران، ۱۹۹۵) مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده‌ای که بیش از همه بر آن تأکید شده، سن سرپرست خانواده بوده است. بعلاوه، مور و کلارک بر ساختار خانواده و تغییر زناشویی به عنوان مهم‌ترین متغیرهای جمعیت‌شناختی در تحرک سکونتی تأکید داشتند؛ حتی تفاوت‌های نژادی نیز به عنوان رفتارهای جابه‌جایی و تحرک بررسی شده است (همان). همچنین، اطلاعات گسترده‌ای در خصوص ویژگی‌های خانواده وجود دارد؛ مثل: چرخه حیات خانواده، وضعیت تحصیلی و درآمدی که تمایل به جابه‌جایی و انتخاب مسکن را تعیین می‌کند. اندازه، نوع، قیمت و اجاره مسکن و موقعیت آن به لحاظ محل کار و خدمات در فرایند انتخاب بسیار مهم است (دیلمن، ۲۰۰۱). با این حال، همچنان‌که از جدول ۲ بر می‌آید، پژوهش‌های مختلف به نتایج گاه متناقضی رسیده‌اند. از نظر کوگلی و واینبرگ بخش عمده‌ای از این امر ناشی از تفاوت‌های مفهومی، تفاوت در روش‌های تحلیل و نمونه‌گیری است (اگلشتین و برمن، ۱۹۸۸).

جابه‌جایی به محل دیگر این نوع سرمایه اجتماعی ممکن است از بین رفته یا کارایی‌اش را از دست بدهد. بنابراین، شبکه‌های اجتماعی محلی ممکن است مانع از تحرک سکونتی شود. همچنین، پیوند اجتماعی با افرادی که در همان نزدیکی زندگی می‌کنند، اثرهای جانبی مثبتی برای محل دارد؛ مثل: کاهش میزان جرایم، مراقبت هرچه بهتر از محیط فیزیکی و ممکن است در زمان نیاز افراد به کمک فوری بسیار ارزشمند باشد. در حالی که همین قضیه در میان افرادی که به لحاظ جغرافیایی از همدیگر دورند، صدق نمی‌کند. از این قضیه می‌توان به این مطلب پی برد که سرمایه اجتماعی دارای مؤلفه فضایی نیز هست (کان، ۲۰۰۷). در کشورهای در حال توسعه همچنان‌که احمد^۱ نشان داد مهاجران درون شهری ترجیح می‌دهند که به دوستان و اقوام خود و به مناطقی نزدیک باشند که بیشتر خانواده‌ها زمینه‌های قومی مشابهی دارند (لی و تو، ۲۰۱۱). از فارینگتون و دیگران^۲ (۲۰۰۲) مطالعات در شهرهای هندوستان، اهمیت شبکه‌های اجتماعی را براساس فراهم آوردن اطلاعات برای جویندگان کار و مسکن نشان می‌دهد (لمبومبا، ۲۰۱۰).

نظریه محرومیت نسبی نیز از جمله رویکردهایی است که توسط استارک^۳ در حوزه شهری و مهاجرت مطرح شد. به نظر استارک، مهاجرت رفتاری تصادفی نیست، بلکه پاسخی در جهت رفع محرومیت‌هاست؛ به این صورت که، وقتی وضعیت اجتماعی موجود نتواند نیازهای فرد را دست کم در کمترین مقدار برآورده کند، برخی از افراد فکر حرکت به مکان‌های دیگری را که به نظر آنان شانس بیشتری برای برآوردن نیازهای برآورده نشده و رفع محرومیت خواهند داشت، در سر خواهند پرورداند؛ هر چند که صرف وجود برخی محرومیت‌ها، موجب مهاجرت نمی‌شود. در صورت مساوی بودن شرایط دیگر، محرومیت از هدف‌های با ارزش‌تر، بیش از محرومیت از هدف‌های کم ارزش‌تر، در تصمیم به

^۱ Ahmad, N

^۲ Farrington J., Ramasut T. & Walker J

^۳ Stark, O

^۴ Relative deprivation feeling

جدول ۱- متغیرهای زمینه‌ای مؤثر در جابه‌جایی سکونت

رابطه	منبع	متغیرهای مستقل
رابطه منفی	راسی (۱۹۵۵)؛ فدرلند (۱۹۷۴)؛ گلدشتاین (۱۹۷۰)	سن
وجود رابطه در بخشی از نمونه	کاین (۱۹۶۲)	جنس
وجود رابطه در بخشی از نمونه	اینگرام و دیگران (۱۹۷۲)	نژاد
رابطه مثبت	براون (۱۹۷۵)؛ اینگرام و دیگران (۱۹۷۲)؛ واینبرگ (۱۹۷۵)	تغییر محل کار
رابطه ضعیف	گلدشتاین و مایر (۱۹۶۴)؛ اسپیر و دیگران (۱۹۷۴)	دسترسی به محل کار
رابطه مثبت	براون (۱۹۷۵)؛ کاین و کوگلی (۱۹۷۵)	تغییر در اندازه خانواده
پیش‌بینی‌کننده ضعیف	برگورن و ناگل (۱۹۷۳)؛ گلدشتاین و مایر (۱۹۶۴)	حرفه سرپرست خانوار
رابطه مثبت	براون (۱۹۷۵)	افزایش درآمد
رابطه مثبت مشروط	براون (۱۹۷۵)	تغییر درآمد
رابطه مثبت	اینگرام و دیگران (۱۹۷۲)؛ موت (۱۹۶۹)	تغییر در هزینه‌های حمل و نقل
رابطه منفی	ابوالقود و فولی (۱۹۶۶)؛ صباغ و دیگران (۱۹۶۹)	انعطاف ناپذیری بازار مسکن
مستاجران بیشتر از مالکان	ابوالقود و فولی (۱۹۶۰)؛ گلدشتاین (۱۹۷۰)	تصرف
وجود رابطه در بخش از نمونه	مایسل (۱۹۶۸)؛ کاین و کوگلی (۱۹۷۵)؛	تصرف قبلی
رابطه منفی	آرونسون و شواتز (۱۹۷۳)	هزینه‌ها و خدمات عمومی
رابطه مثبت	آرونسون و شواتز (۱۹۷۳)	مالیات
متغیر	آرونسون و شواتز (۱۹۷۳)	ترکیب هزینه‌ها و خدمات عمومی و مالیات
رابطه منفی	جانستون (۱۹۷۱) و شلینگ (۱۹۷۲)	کیفیت همسایگی
رابطه مثبت	موریسون (۱۹۷۱)	جابه‌جایی قبلی
رابطه منفی	وان امرون و دیگران (۱۹۹۶)	مذهبی بودن
رابطه مثبت	براون (۱۹۷۵)؛ کاین و کوگلی (۱۹۷۵)؛ لانگ (۱۹۷۲)	تغییر در ترکیب خانواده
متغیر خیلی مهمی نیست	فدرلند (۱۹۷۴)؛ باتلر و دیگران (۱۹۶۴)	
رابطه منفی	مایسل (۱۹۶۸)؛ پیکوانس (۱۹۷۳)؛ کاین و کوگلی (۱۹۷۵)	درآمد
رابطه U شکل	براون و کلاین (۱۹۷۲)؛ واینبرگ (۱۹۷۵)	
مجردها کمتر از متأهل‌ها	فدرلند (۱۹۷۴)؛ گلدشتاین (۱۹۷۰)	
مجردها بیشتر از متأهل‌ها	مایسل (۱۹۶۶)	
متاهلین فرزنددار کمتر از متاهلان بدون فرزند	گلدشتاین و مایسل	وضعیت زناشویی
رابطه مثبت	واینبرگ (۱۹۷۵)؛ ابوالقود و فولی (۱۹۶۶)	
رابطه منفی	براون و کاین (۱۹۷۲)؛ مایسل (۱۹۶۶)	اندازه خانواده
نتایج مختلط	فدراند (۱۹۷۴)؛ اکراکو (۱۹۷۱)	
رابطه مثبت	گلدشتاین و مایر (۱۹۶۳)؛ براون و کین (۱۹۷۲)	
بدون تأثیر	لانگ (۱۹۷۲)؛ موریسون (۱۹۷۲)	تحصیلات
بدون تأثیر سیستماتیک	کاین و کوگلی (۱۹۷۵)؛ واینبرگ (۱۹۷۵)	

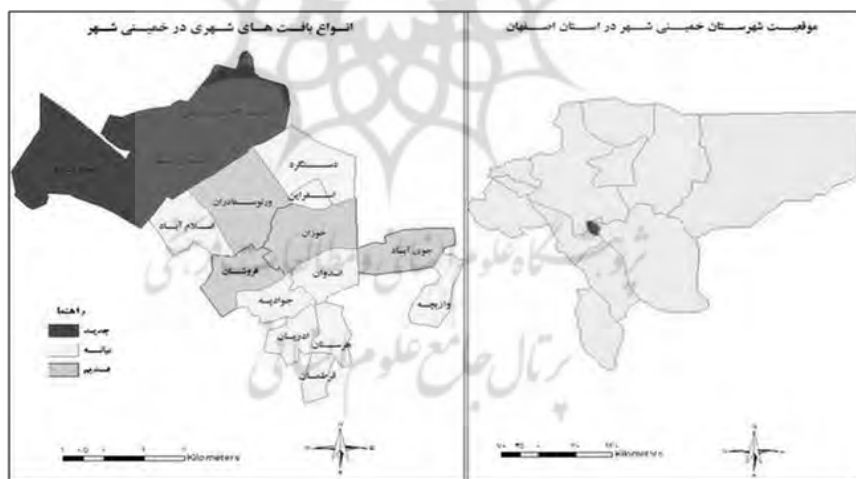
(اقتباس با جرح و تعدیل از کوگلی و واینبرگ، ۱۹۷۷ و واینبرگ، ۱۹۷۹؛ وان امرون و دیگران، ۱۹۷۶)

می‌دهند. شهرستان خمینی‌شهر با مساحت برابر ۱۷۵/۳۰۲ کیلومتر مربع، در منطقه بلوک ماریین و در ۱۲ کیلومتری شمال غربی اصفهان واقع شده و از شمال به شهرستان برخوار و میمه، از شرق و شمال شرقی به شهرستان اصفهان، شمال غربی و غرب به شهرستان نجف‌آباد و از جنوب و جنوب غربی به شهرستان فلاورجان و رودخانه زاینده رود محدود می‌شود. هم‌اکنون، این شهر از نظر بافت شهری به دو قسمت بافت قدیم و جدید تقسیم می‌شود. بافت جدید این شهرستان پس از انقلاب اسلامی ایران آغاز شده و در حال گسترش است. شهرک اقماری منظریه نیز از نوع همین بافت است. بافت قدیم خمینی‌شهر از جنوب این شهرستان، تا بافت جدید شهری ادامه دارد. در این بافت ساختمان‌های نسبتاً قدیمی و بعضی از ساختمان‌های جدید وجود دارد. این بافت که همان خمینی‌شهر است، از سه محله خوزان، ورنوسفاداران و فروشان تشکیل شده است (سایت شهرداری خمینی‌شهر).

چهارچوب نظری مستخرج از این مبانی، تلفیقی است از مدل‌های مختلف که در آن بیشتر متغیرها از مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته انتخاب شده‌اند، مثل: سرمایه اجتماعی، مذهبی بودن، احساس محرومیت نسبی و اهمیت حریم خصوصی. لازم است ضمن عدم اتکا به رویکرد یا مدل نظری خاصی تلاش شده، رویکرد جامعه‌شناختی در انتخاب متغیرها وزن اصلی را داشته باشد. در خصوص ربط نظری این متغیرها با جابه‌جایی سکونت به طور مفصل در بخش چارچوب نظری توضیح داده شده و در اینجا از ذکر آنها اجتناب می‌شود

روش تحقیق

پژوهش حاضر به صورت پیمایشی صورت گرفته که در آن واحد تحلیل فرد و سطح تحلیل خرد است. جامعه آماری مطالعه را شهروندان ۲۰ سال و بالاتر خمینی‌شهر تشکیل



شکل ۱- موقعیت شهرستان خمینی‌شهر و وضعیت بافت شهری آن

(۱،۹۶)، حجم نمونه ۲۴۰ نفر بر آورد گردید. شیوه نمونه‌گیری به این ترتیب بوده است که از بین چهار محله فرسوده سه منطقه انتخاب شد و در بین آنها انتخاب بلوک‌ها و تعیین نمونه‌ها به صورت تصادفی صورت گرفت.

طبق آمارهای سرشماری سال ۱۳۹۰، این شهر دارای ۲۵۲۱۴ خانواده و ۶۱۲۴۰ نفر جمعیت بالای ۲۰ سال بوده است. با استفاده از فرمول کوکران و در نظر گرفتن خطای نمونه‌گیری (d) ۰،۰۶، درصد جمعیتی که انتظار می‌رود پاسخ خاص ارائه کنند (p,q) ۰،۵ و سطح اطمینان ۹۵٪

جدول ۲- ویژگی‌های جمعیت و نمونه آماری

مشخصات	تعداد خانواده	کل جمعیت	جمعیت ۲۰+	حجم نمونه
محلّه خوزان	۱۱۱۱۹	۴۱۳۹۶	۲۶۶۱۸	۹۶
محلّه فروشان	۷۰۷۴	۲۵۰۲۶	۱۶۹۹۴	۶۸
محلّه ورنوسفادران	۷۰۲۱	۲۶۱۰۸	۱۷۵۹۲	۷۶
جمع کل	۲۵۲۱۴	۹۲۵۳۰	۶۱۲۰۴	۲۴۰

منبع: مرکز آمار و اطلاعات شهرداری اصفهان، ۱۳۹۱

فرضیه‌های تحقیق

- بین رضامندی از محل سکونت و گرایش به نقل مکان به محلّه‌های جدید رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی موجود در محل و گرایش به نقل مکان به محلّه‌های جدید رابطه وجود دارد.
- بین مذهبی بودن و گرایش به نقل مکان به محلّه‌های جدید رابطه وجود دارد.
- بین احساس محرومیت نسبی و گرایش به نقل مکان به محلّه‌های جدید رابطه وجود دارد.
- بین اهمیت حریم خصوصی و گرایش به نقل مکان به محلّه‌های جدید رابطه وجود دارد.

متغیرهای مستقل و وابسته

رضامندی از محل سکونت^۱: رضامندی حاصل فرایند ارزیابی، درک، تخمین و رفتار همراه با سازگاری است و دارای ساختاری سلسله مراتبی است و می‌توان میان خصوصیات عینی و ذهنی تمایز آن قائل گردید. اصولاً در اندازه‌گیری رضامندی سکونتی در پیمایش‌ها دو رویکرد وجود دارد: ۱- رضامندی سکونتی از حوزه‌های مختلف زندگی و ۲- رضامندی کلی که نوعی ارزیابی کلی از محیط سکونتی است. در پژوهش حاضر از هر دو رویکرد استفاده شده است. در رضامندی سکونتی مبتنی بر حوزه‌های مختلف، آیتم‌هایی چون رضامندی از همسایگان و روابط همسایگی، امنیت، آرامش و سکوت، نظافت و تمیزی، فضای باز و فضای سبز

عمومی، خیابان‌ها و معابر، سهولت دسترسی به مراکز درمانی و بهداشتی و ... مطرح گردید. برای رضامندی کلی نیز دو گویه با این عنوان مطرح گردید: در مجموع تا چه اندازه از امکانات محل و منطقه زندگی خود رضامندی دارید؟ در مجموع تا چه اندازه از زندگی در این محل و منطقه رضامندی دارید؟

سرمایه اجتماعی^۲: می‌توان سرمایه اجتماعی را به عنوان شبکه‌هایی از روابط اجتماعی در نظر گرفت که با هنجارهای اعتماد و بده بستان مشخص می‌شوند (استون و هاگز، ۲۰۰۲). این خاصیت ساختارهای اجتماعی (شبکه‌ها)، تعامل بین افراد را گسترش داده، تنظیم و تنسيق^۳ امور را تسهیل و کسب مقاصد فردی و جمعی را امکان‌پذیر می‌سازد (ایساکا، ۲۰۰۶). برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی در محل سکونت، هشت گویه در چهار مؤلفه شبکه‌های اجتماعی، اعتماد به همسایگان، مشارکت در محل و پیوندهای همسایگی مطرح گردید و از ترکیب این هشت گویه شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی ساخته شد.

حریم خصوصی و خلوت: تعاریف مختلفی از حریم خصوصی وجود دارد؛ برای مثال، می‌توان حریم خصوصی را متشکل از سه رکن اساسی محرمانگی، گمنامی، تنهایی در نظر گرفت (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۹). برای اندازه‌گیری این متغیر سه گویه طراحی شد و از پاسخگویان خواسته شد نظر خود را بر روی طیفی پنج قسمتی از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف بیان کنند:

² Social capital

³ Coordination

¹ Residential satisfaction

ترتیبی و بر اساس مقیاس لیکرت به صورت کاملاً موافق تا کاملاً مخالف طراحی شد. از ترکیب این شش گویه نیز شاخص ترکیبی گرایش به جابه‌جایی ساخته شد. نهایتاً یک سؤال مجزا به این صورت طراحی گردید که "آیا در صورت فراهم آمدن شرایط، تمایل دارید به محله‌ها یا مناطق جدید شهر نقل مکان کنید؟"

متغیرهای کنترل: در پژوهش حاضر متغیرهای زمینه‌ای مثل سن، جنس، تحصیلات و برخی از متغیرهای مربوط به ویژگی‌های مسکن، همچون: نوع مسکن، مدت ساخت و مساحت به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شدند.

اعتبار و پایایی مقیاس‌ها

در تحقیق حاضر، برای سنجش اعتبار مقیاس‌ها از اعتبار محتوا و برای سنجش پایایی مقیاس‌ها از ضریب آلفای کرونباخ بهره گرفته شد و گویه‌هایی که موجب کاهش ضریب آلفای مقیاس‌ها می‌شدند، کنار گذاشته شدند. ضریب آلفای مقیاس‌ها به این صورت است: گرایش به جابه‌جایی سکونتی (۰٫۸۲)، رضامندی سکونتی از حوزه‌های مختلف (۰٫۸۵)، رضامندی کلی (۰٫۶۵)، شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی (۰٫۸۲)، حریم خصوصی و خلوت (۰٫۷۰)، احساس محرومیت نسبی (۰٫۷۷).

الف- یافته‌های توصیفی

آماره‌های توصیفی نشان می‌دهد که در حدود ۹۰٪ از پاسخگویان را مردان و ۱۰٪ دیگر را زنان تشکیل می‌دهد. میانگین سنی پاسخگویان در حدود ۴۵ سال است و در این میان، حدود ۸٪ در بازه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال، ۵۳٪ بین ۳۰ تا ۴۹ سال و ۳۳٪ در بازه ۵۰ سال و بیشتر قرار داشتند. به لحاظ تعلق قومی در حدود ۸۸٪ از پاسخگویان از فارس‌ها و ۱۲٪ بقیه از سایر اقوام بودند. در مورد تعداد اعضای خانواده بیشترین درصد به ترتیب مربوط به خانواده‌های چهار نفره (۳۲٫۵٪)، سه نفره (۲۳٫۸٪) و ۵ نفره (۲۰٫۴٪) است. کمترین

۱- ترجیح می‌دهیم در جایی زندگی کنیم که کمتر کسی ما را بشناسد؛ ۲- اگر در جای دیگری زندگی می‌کردیم، راحت‌تر می‌توانستیم رفت و آمد کنیم؛ ۳- دلمان می‌خواهد خانه‌مان جایی بود که می‌توانستیم آن‌طور که می‌خواستیم، زندگی کنیم. مذهبی بودن^۱: مذهبی بودن را می‌توان میزان پایبندی به باورهای و کردارهای دینی تعریف نمود. برای اندازه‌گیری این متغیر یک گویه با این عنوان مطرح شد: در مجموع خانواده شما تا چه اندازه مذهبی است؟

احساس محرومیت نسبی: محرومیت نسبی اختلاف بین سطحی از زندگی است که فرد در آن به سر می‌برد و آنچه فکر می‌کند باید در عمل از آن برخوردار باشد. به عبارت دیگر، اختلاف بین سطح زندگی موجود فرد با سطح زندگی مطلوب او که معمولاً با سطح زندگی موجود فردی دیگر مقایسه می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۶: ۶۲۲). برای اندازه‌گیری این متغیر از پاسخگویان خواسته شد که وضعیت رفاه، درآمد، تحصیلات و مسکن منطقه و محل سکونت خود را با محله‌های جدید مقایسه کرده و بگویند که در هریک از موارد یاد شده تا چه اندازه از آنها عقب‌تر یا جلوتر هستند.

گرایش به جابه‌جایی سکونتی: متغیر وابسته در پژوهش حاضر گرایش جابه‌جایی یا تحرک سکونتی است. تحرک سکونتی به صورت جابه‌جایی ساکنان از یک خانه به خانه دیگری از یک محله یا بخش دیگری از شهر تعریف می‌شود (گباکچی و ریلوانی، ۲۰۰۹) که عموماً در بازه زمانی کوتاه صورت گرفته و الگوی کلی زندگی خانوار را بر هم نمی‌زند (کلارک و هانگ، ۲۰۰۳) که در اینجا منظور ما جابه‌جایی و مهاجرت درون شهری از بخش‌های قدیمی به بخش‌ها و محلات جدید است. البته، در این پژوهش گرایش به جابه‌جایی اندازه‌گیری شده، نه جابه‌جایی سکونتی واقعی. هرچه گرایش بیشتر باشد، می‌تواند بر رفتار واقعی جابه‌جایی تأثیر بیشتری داشته باشد. برای اندازه‌گیری این متغیر شش گویه برای ابعاد احساسی، شناختی و رفتاری گرایش در سطح

^۱ Religiousness

میان همین تعداد افراد دارای خانه شخصی، ۶،۷٪ کمتر از ۱۰ سال ساخت، ۴۲٪ بین ۱۰ تا ۲۰ سال ساخت، ۱۸٪ بین ۲۱ تا ۳۰ سال ساخت و نهایتاً ۵٪ بالای ۳۰ سال ساخت بودند. به لحاظ مدت اقامت حدود ۴۸٪ بین ۱ تا ۱۰ سال، حدود ۲۵٪ بین ۱۱ تا ۲۰ سال، ۱۹٪ بین ۲۱ تا ۳۰ سال، کمتر از ۵٪ بین ۳۱ تا ۴۰ سال و نهایتاً ۳،۳٪ بیش از ۴۱ سال در محل فعلی اقامت داشتند.

یافته‌های جدول ۳ در خصوص میزان گرایش به جابه‌جایی و ابعاد مختلف آن نشان می‌دهد که در مجموع میزان گرایش ساکنان به جابه‌جایی متوسط به پایین است (۴۶،۷ از ۱۰۰) با این حال، میانگین بعد رفتاری (۴۹،۶) از دو بعد احساسی و رفتاری بیشتر است. در همین راستا، در پاسخ به این سؤال که آیا در صورت فراهم آمدن شرایط، خانواده شما تمایل دارند به محله‌ها یا مناطق جدید شهر نقل مکان کنند، حدود ۶۵٪ پاسخ مثبت و ۳۵٪ بقیه پاسخ منفی داده بودند.

تعداد اعضای خانواده نیز به خانواده‌های بالای هفت نفر اختصاص داشت (۲٪). از لحاظ تحصیلات پدر خانواده، ۵۰٪ زیردیپلم، ۳۴٪ دیپلم و زیردیپلم و بقیه دارای مدرک کارشناسی و بالاتر بودند. تحصیلات مادر خانواده نیز به ترتیب ۴۸،۹٪ زیردیپلم، ۳۲،۶٪ دیپلم و فوق دیپلم و ۱۸،۵٪ کارشناسی و بالاتر بود. به لحاظ درآمد خانواده، حدود ۱۸٪ درآمد ۳۰۰ هزار تومان یا کمتر، بیش از ۴۵٪ بین ۳۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان و در وهله بعدی حدود ۲۸٪ بین ۵۵۰ تا یک میلیون تومان و در حدود ۳ درصد نیز درآمد بین یک میلیون و ششصد هزار تومان تا دو میلیون تومان داشتند. به لحاظ وضعیت خانه حدود ۸۲٪ خانه شخصی، ۱۰ درصد خانه استیجاری و ۸٪ بقیه دارای موارد دیگری، چون: خانه سازمانی و غیره بودند. از میان تعدادی که دارای خانه شخصی بودند، بیش از ۵۰٪ دارای مساحت زیر ۱۰۰ متر، ۲۳٪ بین ۱۰۱ تا ۲۰۰ متر، ۱۵،۴٪ بین ۲۰۱ تا ۳۰۰ متر، حدود ۷٪ بین ۳۰۱ تا ۴۰۰ متر و نهایتاً ۳،۳٪ بیش از ۴۰۰ متر بودند. همچنین، از

جدول ۳- آمار توصیفی میزان گرایش به به نقل مکان به محله‌ها و شهرک‌های جدید

میانگین*	مخالف	بینابین	موافق	گویه‌ها
۴۸،۶	۳۳،۵	۳۰،۴	۳۶،۲	زندگی در محله‌های جدید پرستیژ بیشتری دارد.
۴۳،۴۳	۲۳،۷	۳۱،۷	۴۴،۶	دوست داشتیم در یکی از محله‌های جدید شهر زندگی می‌کردیم.
۳۹،۶۸	۱۷،۵	۳۸،۴	۴۴،۱	اگر در جای دیگری زندگی می‌کردیم، زندگی راحت‌تری داشتیم.
۵۱،۲	۳۶،۸	۲۹،۱	۳۴،۱	کسانی که در محله‌های جدید زندگی می‌کنند، می‌توانند آن‌طور که دوست دارند، زندگی کنند.
۴۵،۷	۲۹،۲	۳۳،۸	۳۷	در اولین فرصت به یکی از محله‌های جدید شهر نقل مکان خواهیم کرد.
۵۲،۵	۳۸،۷	۳۰،۹	۳۰،۴	حاضریم برای زندگی در محله‌های جدید شهر از محیط فامیلی و بستگان جدا شویم.
۴۶،۷	۲۹،۲	۳۲،۴	۳۷،۷	مجموع کل شاخص

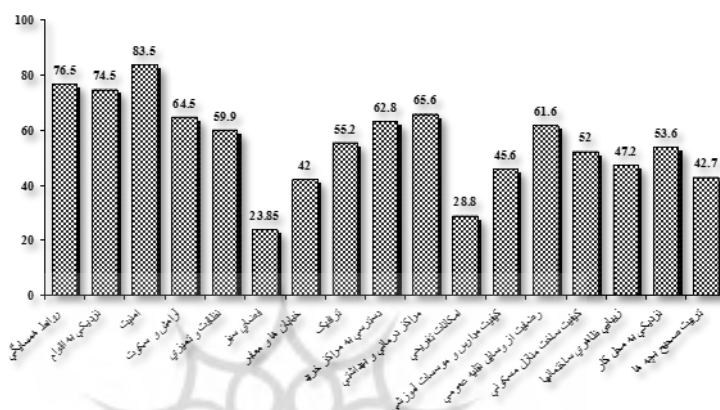
* میانگین از ۱۰۰

همسایگی و نزدیکی به اقوام قرار دارند. از سوی دیگر، کمترین میزان رضامندی مربوط به وجود فضای سبز (۲۳،۸٪)، امکانات تفریحی (۲۸،۸٪) و نهایتاً خیابان‌ها و معابر محل (۴۲٪) است. در این میان، میزان رضامندی از مواردی چون:

همچنانکه یافته‌های نمودار (۱) نشان می‌دهد، درصد رضامندی از جنبه‌ها و حوزه‌های مختلف محل سکونت متفاوت است. بیشترین میزان رضامندی (۸۳،۵٪) مربوط به میزان امنیت در محل است. بعد از آن، به ترتیب روابط

حد متوسط گزارش شده است. در مجموع، میانگین همه گویه‌ها (۶۲,۲ از ۱۰۰) نشان می‌دهد که میزان رضامندی از همه این امکانات و تسهیلات در حد بینابینی و متوسط است.

کیفیت امکانات آموزشی، زیبایی ظاهری ساختمان‌ها، محیط مناسب برای تربیت بچه‌ها پایین از حد متوسط و میزان رضامندی از آرامش و سکوت محل، نظافت و تمیزی، دسترسی به مراکز خرید، رضامندی از وسایل نقلیه بالاتر از



نمودار ۱- آمار توصیفی میزان رضامندی از محل سکونت

خود متوسط به پایین است و بیشتر آنها فکر می‌کنند که منطقه و محلی که در آن زندگی می‌کنند، تاحدی جای مناسبی برای زندگی است (میانگین ۴۱,۶ از ۱۰۰).

نتایج بررسی بیشتر در خصوص میزان رضامندی سکونتی کلی نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان از امکانات محل و منطقه زندگی خود رضامندی متوسطی دارند (میانگین ۵۱ از ۱۰۰) با این حال، میزان رضامندی آنها از محل زندگی

جدول ۴- آمار توصیفی میزان رضامندی کلی از محل سکونت

گویه‌ها	کم	تاحدی	زیاد	میانگین*
در مجموع، تا چه اندازه از امکانات محل و منطقه زندگی خود رضایت دارید؟	۳۷,۵	۴۳,۸	۱۸,۸	۵۱,۰۴
در مجموع، تا چه اندازه از زندگی در این محل و منطقه رضایت دارید؟	۲۳,۳	۴۶,۲	۳۰,۴	۴۱,۶۶

* میانگین از ۱۰۰

بعد درد دل کردن با همسایگان (۲۳,۷) و کمک مالی به آنها (۲۹,۵) و تعامل با همسایگان برای حل مسائل و مشکلات محل (۳۱,۲). با این حال، در خصوص حضور در مراسم ازدواج و ترحیم یا اعتماد به همسایگان وضعیت رضامندی وجود دارد. جالب اینجاست که هرچند پاسخگویان ابزار

در خصوص سرمایه اجتماعی همان‌طور که از نتایج جدول ۵ برمی‌آید، میزان سرمایه اجتماعی در محل در مجموع همه شاخص‌های مطرح شده متوسط به پایین است (۴۲,۹ از ۱۰۰) که نشان می‌دهد وضعیت سرمایه اجتماعی در محله از نظر پاسخگویان چندان مطلوب نیست؛ مخصوصاً در مورد

داشته‌اند که اعتماد متوسط به بالایی به همسایگان خود دارند، صورت نیاز مالی کمک کنند. با این حال چندان حاضر نیستند که به همسایگان خود در

جدول ۵- آمار توصیفی میزان سرمایه اجتماعی در مبدأ

میانگین*	زیاد	تا حدی	کم	گویه‌ها
۲۳,۷	۶	۲۶	۶۷,۲	تا چه حد همسایه‌هایی دارید که می‌توانید با آنها درد دل کنید؟
۳۹,۸	۱۰,۳	۲۹,۲	۶۰,۵	تا چه حد همسایه‌هایی دارید که می‌توانید در مسائل مختلف از آنها مشورت گرفته یا آنها را راهنمایی کنید؟
۲۹,۵	۱۸	۳۸,۲	۴۳,۸	تا چه اندازه خانواده شما حاضر است به همسایه‌های نزدیک در صورت نیاز مالی پول قرض دهد؟
۵۴,۱	۲۸,۶	۴۴,۵	۲۶,۹	در مجموع، تا چه اندازه به همسایه‌های خود اعتماد دارید؟
۳۵,۱	۳۷,۱	۳۹,۳	۲۳,۶	تا چه اندازه خانواده شما در گروه‌های مذهبی مانند جلسات قرآن و مراسم مذهبی محل خود شرکت می‌کند؟
۳۱,۲	۱۰,۸	۳۱,۶	۵۷,۶	تا چه اندازه خانواده شما برای حل مشکلات محله با همسایگان تعامل دارد؟
۵۹,۸	۴۸,۲	۳۵,۲	۱۶,۲	تا چه اندازه خانواده شما در مراسمی مانند ازدواج یا ترحیم همسایه‌هایتان حضور پیدا می‌کند؟
۴۹,۶	۱۵	۳۴,۲	۵۰,۹	تا چه اندازه بین خانواده شما و همسایه‌هایتان روابط رفت و آمد وجود دارد؟
۴۲,۹	۱۳,۵	۳۸,۹	۴۷,۶	مجموع کل شاخص

* میانگین از ۱۰۰

نتایج جدول ۶ در مورد اهمیت به حریم خصوصی و خلوت نشان می‌دهد که پاسخگویان اهمیت زیادی به حفظ حریم خصوصی و خلوت قائل‌اند و ترجیح می‌دهند در جایی زندگی کنند که راحت‌تر و فارغ از کنترل‌های غیررسمی باشند.

جدول ۶- آمار توصیفی میزان اهمیت حریم خصوصی

میانگین*	مخالف	بینابین	موافق	جملات
۵۰,۲	۳۶,۲	۲۷,۱	۳۶,۷	ترجیح می‌دهیم در جایی زندگی کنیم که کمتر کسی ما را بشناسد.
۶۱,۲	۲۴,۲	۲۹	۴۶,۸	اگر در جای دیگری زندگی می‌کردیم، راحت‌تر می‌توانستیم رفت و آمد کنیم.
۷۷	۱۲,۹	۲۰,۱	۶۷	دلمان می‌خواهد خانه‌مان جایی بود که می‌توانستیم آن‌طور که می‌خواستیم، زندگی کنیم.
۶۲,۸	۲۴,۴	۲۵,۴	۵۰,۱	مجموع کل شاخص

* میانگین از ۱۰۰

چندان تفاوتی با محله‌های جدید ندارد. در وهله دوم بر این باور بودند که در مجموع، به لحاظ رفاه، درآمد و وضع مسکن از آنها عقب‌ترند. در خصوص احساس محرومیت نسبی نتایج مندرج در جدول ۷ نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان بر این باور بودند که وضعیت رفاه، درآمد، تحصیلات و مسکن در منطقه آنها

جدول ۷- احساس محرومیت نسبی

خیلی عقب‌تر	عقب‌تر	فرقی نمی‌کند	جلوتر	خیلی جلوتر	
۷,۹	۲۲,۵	۵۰,۴	۱۶,۷	۲,۵	رفاه زندگی
۷,۹	۱۸,۸	۵۵,۸	۱۵	۲,۵	وضع درآمد
۸,۳	۱۸,۳	۵۵	۱۳,۸	۴,۶	سطح تحصیلات
۱۲,۹	۲۳,۸	۳۹,۶	۱۷,۱	۶,۷	وضع مسکن

به جابه‌جایی وجود دارد ($F=0,173$; $sig=0,049$). به عبارت دیگر، آنهایی که سابقه جابه‌جایی داشتند، گرایش بیشتری (میانگین = $3,03$ در مقایسه با $2,8$) به نقل مکان به محله‌های جدید و نوساز داشتند. به این حال، این امر در مورد مؤلفه‌های گرایش به جابه‌جایی تأیید نشد. از سوی دیگر، نتایج همین آزمون در میان آنهایی که صاحب منزل شخصی بوده و آنهایی که مستاجر بودند نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین این دو گروه به لحاظ گرایش به نقل مکان به محله‌های جدید وجود ندارد و تقریباً هر دو گروه گرایش متوسطی دارند ($F=-0,48$; $sig=0,96$).

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی در محل سکونت و گرایش به جابه‌جایی به محله‌های جدید همبستگی معکوسی وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه سرمایه اجتماعی و پیوندها و مراودات اجتماعی بیشتر باشد میزان تمایل ساکنان به جابه‌جایی و نقل مکان به سایر محلات کمتر می‌شود. شایان ذکر است که مؤلفه‌های چهارگانه سرمایه اجتماعی؛ یعنی شبکه‌های اجتماعی، اعتماد، روابط همسایگی و مشارکت اجتماعی نیز همبستگی معنی‌داری با شاخص ترکیبی و مؤلفه‌های آن داشتند. در خصوص متغیر رضامندی از محل سکونت، نتایج نشان می‌دهد که بین شاخص ترکیبی رضامندی از سکونت و شاخص ترکیبی گرایش به جابه‌جایی به محله‌های جدید و مؤلفه‌های سه‌گانه آن رابطه معکوس معنی‌داری وجود دارد. تحلیل‌های جزئی‌تر نشان می‌دهد ساکنانی که نارضایتی بیشتری از روابط همسایگی، امنیت، آرامش، نظافت، خیابان‌ها، ترافیک، امکانات تفریحی، کیفیت و زیبایی ظاهری ساختمان‌ها دارند، گرایش بیشتری به

در مورد باورهای مذهبی، نتایج نشان می‌دهد بیش از ۸۰٪ از پاسخگویان بر مذهبی بودن خانواده خود صحنه گذاشته بودند. در حدود ۱۴٪ در خصوص مذهبی بودن یا نبودن خانواده خود نظری نداشتند و تنها حدود ۳٪ اظهار داشته بودند که خانواده آنها خانواده مذهبی نیست.

ب- یافته‌های تحلیلی

نتایج نشان می‌دهد که بین سن ($r=-0,07$; $sig=0,303$) و ابعاد خانواده ($r=-0,068$; $sig=0,29$) با شاخص ترکیبی گرایش به جابه‌جایی و همچنین، مؤلفه‌های احساسی، شناختی و رفتاری گرایش به جابه‌جایی همبستگی آماری معنی‌داری وجود ندارد. نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد که مردان گرایش بیشتری به جابه‌جایی نسبت به زنان دارند و این امر به لحاظ آماری تأیید شده است ($F=-0,34$; $sig=0,128$). نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد که بین گروه‌های مختلف درآمدی و گرایش به جابه‌جایی رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($r_s=-0,102$; $sig=0,128$). با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهد که بین باورهای مذهبی و گرایش به جابه‌جایی همبستگی منفی ($r=-0,142$) وجود دارد و این رابطه به لحاظ آماری در سطح ۹۵٪ معنی‌دار است ($sig=0,023$). همچنین، بین مؤلفه رفتاری گرایش به جابه‌جایی و مذهبی بودن همبستگی منفی و معنی‌داری مشاهده گردید، اما این رابطه در مورد مؤلفه احساسی و شناختی صدق نمی‌کند. نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد بین کسانی که سابقه جابه‌جایی قبلی داشتند و آنهایی که چنین تجربه‌ای نداشتند، تفاوت معنی‌داری به لحاظ گرایش

و شناختی نیز رابطه معنی‌داری مشاهده گردید. بین میزان اهمیت دادن به حریم خصوصی و گرایش به جابه‌جایی به محله‌های جدید رابطه مثبتی مشاهده شد. به عبارت دیگر، افرادی که توجه زیادی به راحت‌تر زندگی کردن، کمتر شناخته شدن و مواردی از این قبیل می‌کردند، گرایش بیشتری به جابه‌جایی به محله‌های جدید داشتند. بین میزان احساس محرومیت نسبی و گرایش به جابه‌جایی به محله‌های جدید نیز رابطه مثبتی مشاهده شد. نهایتاً مذهبی بودن رابطه معکوسی با شاخص ترکیبی گرایش به جابه‌جایی داشت (sig=۰,۰۴۰؛ r=-۰,۱۶۰).

جابه‌جایی داشته و این امر به لحاظ آمار معنی‌دار است. در کنار شاخص ترکیبی رضامندی از محل سکونت که از ترکیب میزان رضامندی ساکنان از موضوع‌هایی، چون: فضای باز، نزدیکی به اقوام و امنیت و غیره به دست آمده بود. دو گویه مجزا نیز به منظور ارزیابی میزان رضامندی کلی فارغ از توجه به حوزه‌های خاص رضامندی طراحی شد و نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن مؤید رابطه معکوس و معنی‌داری بین میزان رضامندی کلی از امکانات محل و منطقه زندگی و منطقه (sig=۰,۰۰۰؛ r=-۰,۴۰) و میزان رضامندی از زندگی در محل و منطقه (sig=۰,۰۰۰؛ r=-۰,۲۷) و شاخص ترکیب گرایش به جابه‌جایی است. همچنین، در مورد بعد احساسی، رفتاری

جدول ۸- همبستگی متغیرهای مستقل پژوهش و میزان گرایش به جابه‌جایی

شاخص ترکیبی	مؤلفه رفتاری	مؤلفه شناختی	مؤلفه احساسی
سرمایه اجتماعی	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
رضامندی از محل سکونت	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
حفظ حریم خصوصی	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
احساس محرومیت نسبی	۰,۰۰۵	۰,۰۰۱	۰,۰۱۴
باورهای مذهبی	۰,۰۴۰	۰,۰۶۵	۰,۰۲۳

محله‌های جدید را تبیین کنند. جدول ۹ وزن‌های استاندارد و غیر استاندارد این دو متغیر را نشان می‌دهد. بر این اساس، می‌توان گفت که اهمیت حریم خصوصی وزن بیشتری (۰,۳۸) نسبت به رضامندی کلی و سرمایه اجتماعی در تبیین گرایش به جابه‌جایی دارد. در مدل دوم مشاهده می‌شود که از میان متغیرهای زمینه‌ای، تنها متغیر جنسیت معنی‌دار بوده و سایر متغیرها از مدل کنار گذاشته شدند، با این حال، این معنی‌داری تأثیر بسیار اندکی در افزایش ضریب تعیین تعدیل شده داشته و قابل چشم‌پوشی است.

نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی^۱ نشان می‌دهد که از میان همه متغیرهای مستقل وارد شده به مدل (رضامندی، سرمایه اجتماعی، مذهبی بودن، اهمیت حریم خصوصی و محرومیت نسبی) با کنترل متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات، شغل، درآمد خانواده، تعداد اعضاء، مساحت مسکن و مدت ساخت) سه متغیر رضامندی کلی و اهمیت حفظ حریم خصوصی و سرمایه اجتماعی توانستند وارد مدل شده و در مجموع ۳۹٪ از واریانس گرایش به جابه‌جایی به

^۱ Hierarchical multiple regression

جدول ۹- وزن های خالص و ناخالص متغیرهای مستقل با کنترل متغیرهای زمینه‌ای در رگرسیون سلسله مراتبی

مدل	متغیرهای مستقل و کنترل	ضرایب غیر استاندارد		t	معنی‌داری	ضریب تعیین تعدیل شده
		b	خطای استاندارد			
۱	عدد ثابت	۰,۷۳	۰,۲۵	۲,۹	۰,۰۳	۰,۳۹۱
	اهمیت حریم خصوصی	۰,۳۶	۰,۰۵	۶,۹	۰,۰۰۰	
	رضامندی کلی	-۰,۲۵	-۰,۰۵	۴,۹	۰,۰۰۰	
	سرمایه اجتماعی	-۰,۱۵	-۰,۰۶	۲,۵	۰,۰۱۳	
۲	جنسیت	۰,۳۶	۰,۱۴	۲,۵	۰,۰۱۳	۰,۳۹۶

بحث و نتیجه‌گیری

جابه‌جایی فضایی اهمیتی برجسته‌ای به عنوان یک موضوع در نظریه اجتماعی و پژوهش در سال‌های اخیر به دست آورده و موجب شکل‌گیری پارادایم گشت جابه‌جایی شده است (شالر و یوری، ۲۰۰۶). این پارادایم معطوف به کیفیت‌های نوپدید جابه‌جایی است که به واسطه پیشرفت‌های تکنولوژیک و شیوه‌های جدید زندگی و تعامل تحقق یافته است. مفهوم جابه‌جایی فضایی که در رشته‌های مختلف علوم اجتماعی به کار رفته، ناظر به تشریح و بررسی پدیده‌های بسیار متفاوت در مقیاس‌های مختلف است: از جابه‌جایی روزانه در فضای شهری با سیستم‌های حمل و نقل و از جابه‌جایی سکونتی تا مسیرهای مهاجرت فراملی. با این حال، در پژوهش حاضر هدف بررسی گرایش به جابه‌جایی سکونتی از محله‌های سنتی و قدیمی به محله‌های جدید و نوساز است. تحرک و جابه‌جایی مسکونی در بین محلات بیشتر نشان‌دهنده تفاوت‌ها در میزان برخورداری محلات از امکانات و خدمات شهری نسبت به همدیگر است. وجود جاذبه‌ها در مقصد و دسترسی مناسب به آنها باعث مهاجرت به آن محل و در نتیجه رونق آن قسمت از شهر می‌شود و در مقابل، فقر امکانات در محله‌های سنتی و قدیمی باعث کاهش منزلت اجتماعی و ارزش اقتصادی خانه‌ها در آن می‌شود. تداوم این وضعیت نهایتاً تبعات متعددی برای محله‌های قدیمی و جدید به همراه دارد که خود اهمیت سیاست‌گذاری شهری در این زمینه را طلب می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در

نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک^۱ همه متغیرهای مستقل یاد شده بر روی این سؤال که "آیا در صورت فراهم آمدن شرایط، خانواده شما تمایل دارند به محله‌ها یا مناطق جدید شهر نقل مکان کنند؟" تا حدی مؤید یافته‌های رگرسیون سلسله‌مراتبی است. نتایج نشان می‌دهد که حساسیت مدل در تعیین افراد متمایل به جابه‌جایی، ۹۰ درصد و حساسیت آن در تعیین افرادی که تمایلی به جابه‌جایی نداشتند، ۷۳,۹ درصد بوده است. در مجموع، این مدل توانسته است تا ۸۵,۱٪ افراد را به درستی تفکیک نماید. نتایج جدول ۱۰ مقدار B و آماره والد (نسبت برتری) و معنی‌داری آنها را نشان می‌دهد. در این قسمت ضریب مثبت متغیر خلوت و ضریب منفی متغیر رضامندی مؤید آن است که با افزایش میزان رضامندی، احتمال جابه‌جایی کاهش می‌یابد و برعکس، با افزایش میزان اهمیت به حریم خصوصی، احتمال جابه‌جایی افزایش می‌یابد.

جدول ۱۰- آماره‌های مختلف رگرسیون لجستیک

B	میزان آماره خطا والد	درجه آزادی	معنی‌داری Exp(B)	
			۱	۰,۰۲۲
-۱,۲۷	۰,۵۵	۵,۲	۱	۰,۰۲۲
۲,۰۵	۰,۶۱	۱۱,۴۲	۱	۰,۰۰۱
۱۰,۸۷	۲,۶۷	۱۶,۵۸	۱	۰,۰۰۰

^۱ Logistic Regression

تحصیلات، بعد خانوار، مساحت و قدمت مسکن، سابقه جابه‌جایی رابطه معنی‌داری مشاهده نگردید که برخی از این یافته‌ها با نتایج پژوهش زنگنه و سمیعی پور (۱۳۹۱) همسویی نداشت. یافته‌ها نشان می‌دهد هر چه سرمایه اجتماعی و رضامندی از محل بیشتر می‌شود، از میزان گرایش به جابه‌جایی کاسته می‌شود و برعکس، هر چه احساس محرومیت و اهمیت حفظ حریم خصوصی بیشتر می‌شود، بر گرایش به جابه‌جایی افزوده می‌شود. بررسی‌های آماری دقیق‌تر با کنترل متغیرهای زمینه‌ای نشان داد که در نهایت سه متغیر رضامندی کلی و اهمیت حفظ حریم خصوصی و سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان عامل بازدازننده و عامل مشوق جابه‌جایی‌های درون شهری در نمونه مورد بررسی مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، هر چه رضامندی ساکنان در محله‌های قدیمی به لحاظ اجتماعی، کالبدی، فرهنگی و تأسیسات و خدمات شهری و جز اینها افزایش یابد، امکان ماندگاری ساکنان بیشتر می‌شود. رضامندی کلی نیز می‌تواند یکی از بازدارنده‌ها برای جابه‌جایی سکونتی باشد. این یافته همسو با پژوهش‌هایی است که نشان می‌دهد نارضایتی از اجتماع محرک مهمی برای میل به جابه‌جایی است (فریدیکسون و ویگران، ۱۹۸۰؛ پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰؛ تولایی و یاری، ۱۳۹۰). افراد به علت نارضایتی از فقدان مدارس با کیفیت، همکاری مردم، سرو صدا، جرم، ضعف تعاملات اجتماعی و روح اجتماع به محل دیگری نقل مکان می‌کنند (لیبومبا، ۲۰۱۰). در خصوص حفظ حریم خصوصی می‌توان گفت ساکنانی که به این مقوله اهمیت می‌دهند، گرایش بیشتری به جابه‌جایی دارند. طبق نظر التمن (۱۳۸۲) انسان‌ها به دنبال محیطی هستند که در آن بتوانند به خلوت ایده‌آل و دلخواه خویش برسند. در این خلوت انسان‌ها مختارند و حق انتخاب دارند. آنها قادرند هر کسی را که با تمایلات آنها سازگار است، وارد این محدوده کنند و در این میان خواست و یا تحمیل دیگران نقش مؤثری ندارد. نتایج پژوهش، همچنین حاکی از رابطه منفی سرمایه اجتماعی با گرایش به جابه‌جایی است. کان (۲۰۰۷) نیز در بررسی تجربی خود در خصوص سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با جابه‌جایی به این نتیجه رسید که دارا

مجموع ساکنان مناطق فرسوده خمینی‌شهر گرایش متوسطی به جابه‌جایی دارند؛ هر چند که میانگین بعد رفتاری از دو بعد احساسی و شناختی بیشتر بود که مؤید آن بود که حدود ۶۵٪ تمایل به جابه‌جایی دارند. پوراحمد و همکارانش (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود در بافت قدیم خرم‌آباد میزان تمایل به جابه‌جایی را حدود ۶۰٪ به دست آورده بودند که نشان‌دهنده همگرایی یافته‌های این دو پژوهش است. میزان رضامندی از حوزه‌های مختلف محل سکونت در مجموع متوسط بود؛ با این حال، بیشترین میزان نارضایتی به نبود فضای سبز، امکانات تفریحی و کیفیت خیابان‌ها و معابر محل و بیشترین میزان رضامندی مربوط به امنیت، روابط همسایگی و نزدیکی به اقوام می‌شد. از سوی دیگر، میزان رضامندی کلی از امکانات محل و رضایت از زندگی در آن محل متوسط و متوسط به پایین است. این یافته‌ها نیز مشابه با یافته‌های پوراحمد و دیگران است.

میزان سرمایه اجتماعی در محل، در مجموع متوسط به پایین است که نشان می‌دهد وضعیت سرمایه اجتماعی در محله از نظر پاسخگویان چندان مطلوب نیست. متوسط نمره شبکه‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی کمتر از میزان اعتماد و پیوندهای همسایگی بود که نشان می‌دهد سنتی و قدیمی بودن محلات دلیلی بر بالا بودن سرمایه اجتماعی در آنها نیست. از دیگر نتایج پژوهش آن است که بیشتر پاسخگویان تمایل داشتند در جایی زندگی کنند که احساس راحتی بیشتری داشته باشند و آن‌طور که دوست دارند، زندگی کنند. همچنین، بیشتر پاسخگویان در مقایسه محل و محیط زندگی خود با محله‌های جدید احساس محرومیت چندان نکرده، بر این باور بودند که وضعیت رفاه، درآمد، تحصیلات و مسکن در محل آنها چندان تفاوتی با محله‌های جدید ندارد. همچنین، بیش از ۸۰٪ از پاسخگویان بر مذهبی بودن خانواده خود صحنه گذاشته بودند.

از میان متغیرهای زمینه‌ای تنها جنسیت با گرایش به جابه‌جایی رابطه معنی‌داری داشت که تا حدی با یافته‌های کاین (۱۹۶۱) همخوانی داشت و از سوی دیگر، بین سن،

تعادل فضایی جمعیت مطالعه موردی؛ مناطق شهر اصفهان»، مجله جغرافیا و توسعه، دوره ۵، شماره پیاپی ۹، ص ۱۰۴.

یوسفی، علی و آقاجانی، حسین. (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه‌شناختی تحرک مسکونی در مشهد»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۸، ش ۲، ص ۲۰۱ تا ۱۶۷.

Aero, T. (2006) "Residential Choice from A Lifestyle Perspective". *Housing, Theory and Society*, 23:2, 109-130.

Baker, E. (2002) *Public Housing Tenant Relocation Residential Mobility, Satisfaction, and the Development of a Tenant's Spatial Decision Support System*. Thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy. Department of Geographical and Environmental Studies. The University of Adelaide, Australia. Available at: <http://digital.library.adelaide.edu.au/dspace/handle/2440/37909>

Clark, WAV. & Huang, Y. (2003) "The Life Course and Residential Mobility in British Housing Markets". *Environment and Planning*, 35: 323-339.

Clark, WAV. & Onaka, JZL. (1983) "Life Cycle and Housing Adjustment as Explanations of Residential Mobility". *Urban Studies*, vol. 20, P 47-57.

Clark, WAV. Deurloo, MC. & Dieleman, FM. (2004) *Choosing neighborhoods: residential mobility and neighborhood career*. University of California, Los Angeles; University of Amsterdam; Utrecht University and Delft University of Technology

Coulter, R. Van Ham, M. & Findlay, A. (2013) *New Directions for Residential Mobility Research: Linking Lives through Time and Space*. Discussion Paper No. 7525. Forschungsinstitut zur Zukunft der Arbeit Institute for the Study of Labor

Cresswell, T. (2006) *On the move*. London: Routledge.

Dieleman, FM. (2001) "Modeling Residential Mobility: A Review of Recent Trends in Research", *Journal of Housing and the Built Environment*, 16: 249° 265

Dokmeci, V. Berkoz, L. Levent, H. Yurekli, H. and Cagdas, G. (1996) "Residential Preferences in Istanbul", *Habitat International*. 20, 2: 241-251.

Eaglstain, AS. & Berman, Y. (1988) "Correlates of Intra-Urban Migration in Israel", *Social Indicators Research*, 20: 103-111.

Fredrickson, C. Heaton, TB. Fuguitt, GV. & Zuiches, JJ. (1980) "Residential Preferences in A Model of Migration Intentions". *Population and*

بودن سرمایه اجتماعی در محل می‌تواند مانع از جابه‌جایی‌های با مسافت طولانی (مهاجرت) باشد، اما این امر تأثیر ناچیزی در جابه‌جایی‌های درون شهری دارد.

منابع

پوراحمد احمد، فرهودی رحمت الله، حبیبی کیومرث، کشاورز، مهناز. (۱۳۹۰). «بررسی نقش کیفیت محیط سکونتی در مهاجرت‌های درون‌شهری، مطالعه موردی بافت قدیم خرم آباد»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۵، ص ۱۸.

انصاری، باقر. (۱۳۸۶). حقوق حریم خصوصی، تهران: انتشارات سمت.

آلتمن، آ. (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی (خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام)، ترجمه: ع نمازیان، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

تولایی، نوین و یاری، جلیل. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به مهاجرت درون‌شهری در تهران با تأکید بر احساس نابرابری فضایی»، تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، ش ۴، ص ۶۰.

زنگنه، یعقوب و سمیعی‌پور، داود. (۱۳۹۱). «مهاجرت، تحرک سکونتی و ساخت اجتماعی - فضایی شهر سبزوار»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال سوم، ش ۱۲، ص ۱۰۱.

سجادی، ژیلا و احمدی دستجردی، حمید. (۱۳۸۷). «بررسی علل و پیامدهای اجتماعی - فضایی مهاجرت‌های درون‌شهری مطالعه موردی: بافت قدیم تهران پارس در منطقه ۸ شهرداری تهران»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، ش ۶۶، ص ۱۱۵-۱۱۶.

شاهوی سیروان، فریکا فاروقی. (۱۳۸۸). ارتقای کیفیت زندگی در مناطق فرسوده، آموزه‌های پروژه لودا.

گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی. چاپ سوم.

وارثی، حمیدرضا؛ قائدرحمتی، صفر و باستانی‌فر، ایمان. (۱۳۸۶). «بررسی اثرات توزیع خدمات شهری در عدم

- neighbourhood quality and life-course events. Institute for Social and Economic Research University of Essex, ISER Working Paper Series.* Available at: http://www.ekf.vsb.cz/projekty/cs/okruhy/weby/esf-0116/databaze-prispevku/clanky_ERSA_2008/931.pdf
- Rigg, J. (2007) *An Everyday Geography of the Global South*. Routledge Publisher.
- Ross, HL. (1962) "Reasons for Moves to and From A Central Ccity Area", *Social Forces*, 40, 3.
- Sheller, M. & Urry, J. (2006) *Mobile Technologies of the City: Routledge*, New York.
- Sigaud, T. (2013) *Does moving change anything? Residential Mobility and Inequality in France: 2003-2011. American Sociological Association 108th Annual Meeting*. Population Section 396 New York.
- Speare, A. (1974) "Residential Satisfaction as an Intervening Variable in Residential Mobility", *Demography*, 11, 2:173-188.
- Stone, W. & Hughes, J. (2002) "Social Capital: Empirical Meaning and Measurement Validity. Australian Institute of Family Studies". *Research Paper*, No. 27, P4.
- Thomas, MP. (2011) *Differentiation in lifestyles and residential choices of families in Switzerland*. Enhr Conference, 5-8 July. Available at: http://www.nfp54.ch/files/nxt_projects_81/19_07_2011_04_09_30NFP54URBANESWOHNENDifferentiationinlifestylesandresidentialchoicesoffamiliesinSwitzerland.pdf
- Timmermans, H. Borgers, A. Dijk, J. Van, Oppewal, H. (1992) "Residential Choice Behavior of Dual Earner Households: A Decompositional Joint Choice Model". *Environment and Planning*, 24: 517-533.
- Urry, J. (2000) *Sociology beyond Societies mobilities for the twenty-first century*. London; New York: Routledge.
- Urry, J. (2007) *Mobilities*. London: Polity.
- Van Ommeren, J. Rietveld, P. and Nijkamp, P. (1996) "Residence and Workplace Relocation: A Bivariate Duration Model Approach", *Geographical Analysis*, 26, 315-329.
- Weinberg, DH. (1979) "The Determinants of Intra-Urban Household Mobility". *Regional Science and Urban Economics*, 9: 219-246.
- Woo Lee, S. (1999) *Multi-level Analysis of Residential Mobility: Role of Individual, Housing and Metropolitan Factors, Division of Agricultural Economics and Community Development Seoul National University*. <http://www.sre.wu.wien.ac.at/ersa/ersaconfs/ersa99/Papers/a225.pdf>
- Environment*, 3, 3/4: 280-297.
- Gbakeji, JO. and Rilwani, ML. (2009) "Residents Socio-Economic Characteristics and the Residential Mobility Process in an Urban Space: The Example of the Warri Metropolis, Delta State, Nigeria", *Journal of Human Ecology*, 27, 1: 45-52.
- Hanushek, EA. and Quigley, JM. (1978) "An Explicit Model of Intra-metropolitan Mobility". *Land Economics*, 54, 4: 411-429.
- <http://www.jeron.je/anglia/learn/sec/geog/migrate/page10.htm>
- <http://www.khomeinishahr.ir/HomePage.aspx?TabID=4623&Site=DouranPortal&Lang=fa-IR>
- Iisakka, L. (2006) *Social capital in Finland-Statistical Review*. Available at: http://www.stat.fi/tup/julkaisut/isbn_950-467-602-2_en.pdf
- Kan, K. (2007) "Residential Mobility and Social Capital", *Journal of Urban Economics*. 61: 436-457.
- Kaufmann, V. (2009) Mobility: Trajectory of a concept in the social sciences, In Mom, Gijs, Gordon Pirie and Laurent Tissot (Eds.) *Mobility in history: The state of the art in the history of transport, traffic and mobility*. Neuchâtel: Editions Alphil Presses Universitaires Suisses.
- Kirschenbaum. (1983) "Sources of Neighborhood Residential Change: A Micro-Level Analysis". *Social Indicators Research*, 12: 183-198.
- Landale, NS. and Guest, AM. (1985) "Constraints, Satisfaction and Residential Mobility: Speares Model Reconsidered", *Demography*, 22, 2 .
- Latour, B. (2005) *Reassembling the Social: An Introduction to Actor-Network-Theory (Oxford University Press, Oxford ; New York)*
- Lee, ES .(1966) "A Theory of Migration", *Demography*, 3, 1: 47-57.
- Li, P. & Tu, Y. (2011) *Behaviors on intra-urban residential mobility: A Review and Implications to the Future Research*. IRES Working Paper Series. Available at: www.ires.nus.edu.sg/workingpapers/IRES2011-020.pdf
- Limbumba, TM. (2010) *Exploring social-cultural explanations for residential location choise: The Case of an African City-Dares Salaam*. Doctoral Theses, Built Environment Analysis, Stockholm, Sweden.
- Pettit, B. (1999) "Cultural Capital and Residential Mobility: A Model of Impersistence in Place". *Poetics*, 26, 177-199.
- Quigley, JM. and Weinberg, DH. (1977) "Intra- Urban Residential Mobility: A Rreview and Synthesis". *International Regional Science Review*, 2: 41.
- Rabe, B. & Taylor, M. (2009) *Residential mobility*,